

## **Recognition of the meaning and concept of national wealth in the eighty-third principle of the Constitution**

**Shahab Talaie Shokri**

Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication Imam Sadegh University, Tehran, Iran (Corresponding author).

shahab\_talaie@yahoo.com

**Saeed Shafia**

Expert, Tourism and Cultural Heritage, Research Center of the Islamic Consultative Assembly, Tehran, Iran.

s.shafia@usc.ac.ir

### **Abstract**

Article 83 of the Constitution is one of the principles on which supplementary laws and regulations have not yet been adopted, and its definition and criteria for measurement are still unclear. According to this principle, government buildings and property that are in the category of national treasures cannot be transferred without the opinion of the Islamic Consultative Assembly. Cultural heritage administrators have at times decided on three approaches: "experimental", "community" and "relying on world records". Decisions made about these treasures, due to the lack of a proper mechanism for recognition and assignment, can lead to the destruction of the original or part of the works. This qualitative study provided the possibility of answering the research questions by using library studies and interviews and by snowball sampling method after conducting 21 interviews and using the detailed parliamentary debates on Article 83. This study summarizes the definition of national luxury and unique luxury and suggested that inter-agency committees be formed to identify national wealth in order to provide the basis for decision-making without orientation and conflict of interests. Also, the scope of Article 83 of the Constitution to include non-governmental property and the protection of the owners of these treasures or the purchase of national treasures by the government.

**Keywords:** National treasure, unique, Semantic recognition, Cultural heritage, Article 83Constitution.

## بازشناسی معنی و مفهوم نفایس ملی در اصل هشتادوسوم قانون اساسی

شهاب طلایی شکری

عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی، فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران،  
ایران (نویسنده مسئول).

shahab\_talaie@yahoo.com

سعید شفیعا

دکترای تخصصی مدیریت گردشگری، کارشناس گردشگری و میراث فرهنگی، مرکز پژوهش‌های  
مجلس شورای اسلامی، تهران، ایران.

s.shafia@usc.ac.ir

چکیده

اصل ۸۳ قانون اساسی از جمله اصولی است که تا به حال در مورد آن قوانین و مقررات تکمیلی  
مصوب نشده است و همچنان تعریف و معیارهای سنجش آن دارای ابهام است. طبق این اصل،  
بناها و اموال دولتی که در دسته نفایس ملی هستند بدون نظر مجلس شورای اسلامی قابل انتقال  
نمی‌باشند. مجریان امور میراث فرهنگی در دوره‌هایی به سه نگرش تجربی، اجماع و تکیه به  
ثبتهای جهانی در مورد آن تصمیم‌گیری کرده‌اند. تصمیمات اتخاذ شده در مورد این نفایس  
به واسطه نبود سازوکار مناسب تشخیص و واگذاری، می‌تواند موجب تخریب اصل یا بخشی از آثار  
شوند. رویکرد نظری تعریف مفهوم میراث فرهنگی، معیارهای تشخیص نفایس ملی است. این  
مطالعه کیفی با استفاده از مطالعات اسنادی، مصاحبه و از روش نمونه‌گیری گلوله برفی پس از  
انجام ۲۱ مصاحبه و استفاده از مشروح مذاکرات مجلس در مورد اصل ۸۳ امکان پاسخگویی به  
سؤال‌های پژوهش را فراهم کرد. این پژوهش به جمع‌بندی در خصوص تعریف نفایس ملی و  
نفایسی منحصر پرداخته و پیشنهاد نمود تا برای شناخت نفایس ملی کمیته‌ای بین‌دستگاهی  
تشکیل شود تا بدون جهت‌گیری و تعارض منافع زمینه تصمیم‌گیری را فراهم سازد. همچنین  
گستره شمول اصل ۸۳ قانون اساسی به اموال غیردولتی و حمایت از مالکان این نفایس یا خرید  
نفایس ملی توسط دولت صورت پذیرد.

کلیدواژه‌ها: نفایس ملی، منحصره‌فرد، بازشناسی معنایی، میراث فرهنگی، اصل ۸۳ قانون اساسی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۸/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۲  
فصلنامه راهبردی اجتماعی فرهنگی، سال ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۴۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۳۹۹-۴۲۲

## مقدمه و بیان مسئله

میراث فرهنگی آثار با ارزش به جای مانده از گذشتگان است که پیشرفت‌های انسان در طول تاریخ را در خود دارد. آنچه در این میان بااهمیت است، توجه و تدبیر نسل بشر به این آثار تاریخی - فرهنگی به قصد پندآموزی است (مهراندیش، ۱۳۸۷)؛ بنابراین، گذر زمان و حفاظت از این میراث باارزش است که امکان تعمق در این آثار فرهنگی را ممکن می‌سازد و عملاً میراث فرهنگی به‌عنوان بازوی بااهمیت برای توسعه گردشگری نیز نقش‌آفرینی می‌کند. فرصتی که تلفیق میراث فرهنگی و فعالیت‌های گردشگری در اختیار جامعه جهانی قرار می‌دهند، امکان پندآموزی و دستیابی به نظامی از معرفت است (منصوری و شفیعا، ۱۳۹۸).

با درک اهمیت بالای این میراث، یکی از حقوق فرهنگی ملت‌ها در برابر دولت‌ها را می‌توان حق حفاظت از میراث فرهنگی ملموس و ناملموس دانست و تکالیفی بر عهده دولت‌ها گذاشته شده است تا نسل‌های آینده نیز از موهبت‌های میراثی بی‌نصیب نباشند. این تکالیف را می‌توان در قالب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مثل حراست از میراث فرهنگی ناملموس یا موافقت‌نامه حمایت میراث فرهنگی و طبیعی جهانی مشاهده کرد که عظم جهانی برای نگهداشت و حمایت از آنها را نشان می‌دهد (زنده‌گل، ۱۳۹۷)؛ اما مسئله مالکیت یکی از موضوع‌های بحث‌برانگیز در حیطه مدیریت میراث فرهنگی است، چراکه به‌عنوان یکی از حقوق تعرض‌ناپذیر و مقدس شناخته می‌شود و در صورتی که در تقابل با حقوق عمومی قرار گیرد، الزام‌های بسیاری در مورد آن وجود دارد. برابر اصل ۴۶ قانون اساسی، هر کس مالک حاصل کسب‌وکار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به‌عنوان مالکیت نسبت به کسب‌وکار خود امکان کسب‌وکار را از دیگران سلب کند. همچنین طبق اصل ۴۷ قانون اساسی، مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است که ضوابط آن را قانون تعیین می‌کند. همچنین طبق ماده ۳۰ قانون مدنی نیز هر مالکی نسبت به مایملک خود حق تصرف دارد مگر اینکه قانون آن را مستثنی کرده باشد (عباسی، ۱۳۹۹). آنچه مسلم و مشهود است، دولت جمهوری اسلامی ایران به‌واسطه مسئولیت حاکمیتی که در قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ بر عهده دارد، بایستی از تمام میراث فرهنگی حفاظت کند. یکی از کلیدی‌ترین گام‌هایی که در هنگام





تصویب قانون اساسی برداشته شد، توجه این قانون به میراث فرهنگی است. با توجه به چالش‌های مالکیتی که ذکر شد، قانون اساسی تلاش کرد بدون تأکید بر دارایی‌ها و اموال غیردولتی، موضع شفافی در مورد میراث فرهنگی در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کند و سایر آثار که در اختیار غیردولت است را واگذار به قوانین و مقررات موضوعه نماید. در این اصل، واژه نفایس ملی برای اولین بار به کار برده شد که منظور و مفهوم اصلی آن تا به حال مورد واکاوی دقیق قرار نگرفته است. طبق اصل ۸۳ قانون اساسی پس از بازننگری سال ۱۳۶۸، بناهای و اموال دولتی که از نفایس ملی باشد قابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی، آن هم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد. این اصل در واکنش به نقل و انتقالات بی‌قاعده اشیاء نفیس و با ارزش کشور در دوران رژیم سابق به سایر کشورها طرح شد. هر چند این جابه‌جایی اموال در هر گوشه دنیا، نمایشی از فرهنگ و هنر ایران اسلامی است؛ اما خروج بی‌قاعده و بی‌اصول، شکلی از بی‌غما رفتن و سوداگری اموال عمومی است؛ بنابراین، طرح شدن چنین اصلی در قانون اساسی، میزان اهمیت و لزوم توجه به میراث فرهنگی را متذکر می‌شود. آنچه مغفول مانده است، شفاف‌سازی و توسعه مفهومی مرتبط با این اصل با اهمیت است. نکته مبهمی که در سال‌های اخیر لزوم توجه به آن محسوس است، عدم تشریح و ضمنی بودن تعریف نفیسه ملی بودن و نفیسه ملی منحصر به فرد است. اینکه این مفاهیم چه هستند نیازمند تشریح و تعریف است. هر چند بررسی گفتگوها و موضوع‌های طرح شده توسط تصویب‌کنندگان قانون اساسی راهگشا است؛ اما از قوانین و مقررات عادی انتظار می‌رود تا به شفافیت و کاربردی شدن مبانی مدنظر قانون اساسی بیافزاید. متأسفانه در هیچ قانون تخصصی، بالادستی و عادی، تعاریف، مؤلفه‌ها و معیارهای شناسایی نفیسه ملی تشریح نشده است و مسئله مذکور بدون چارچوب نظری و مبتنی به نظر کارشناسی که قابل تغییر است، تبیین شده است. تشکیل کمیته‌های مختلف در سازمان و وزارتخانه مرتبط با میراث فرهنگی در دهه‌های اخیر و تصمیم‌ها و اظهار نظرهای ثبت شده از مدیران و کارشناسان این حیطه، اسنادی است که تأییدکننده یک شکاف قانونی است. از سوی دیگر، این ماده از قانون در مورد اموال دولتی صحبت کرده است؛ اما در مورد بخش دیگری از نفایس ملی که در اختیار افراد یا سازمان‌های غیردولتی قرار دارند مسکوت باقی مانده است؛ بنابراین، بخش مهمی از نفایس ملی که در اختیار دولت قرار ندارد، در خطر تسلط منافع خصوصی به منافع عمومی قرار دارد. لذا، در این پژوهش تلاش شده است تا با استفاده از



مستندات به‌جای‌مانده از نمایندگان مصوب‌کننده اصل ۸۳ قانون اساسی، گردآوری نظرات کارشناسان و بررسی قوانین و مقررات مربوطه، ابهام‌های فوق برطرف شود.

## ۱. اهداف پژوهش

- ۱- تشریح و تعریف نفیسه ملی بودن و نفیسه ملی منحصربه‌فرد؛
- ۲- شناسایی مؤلفه‌ها و معیارهای شناسایی نفیسه ملی؛
- ۳- تعیین مرجع تصویب نفیسه ملی و منحصربه‌فرد؛
- ۴- تعیین سازوکاری برای مدیریت نفایس ملی در اختیار غیردولت.

## ۲. سؤال‌های پژوهش

- ۱- نفایس ملی و منحصربه‌فرد چه هستند؟
- ۲- معیارهای شناخت آنها چیست؛
- ۳- مرجع تصویب نفیسه ملی و منحصربه‌فرد چیست؟
- ۴- چه سازوکاری برای مدیریت نفایس ملی در اختیار غیردولت می‌توان در نظر گرفت؟

## ۳. پیشینه پژوهش

دبیری؛ لقای و شیرازیان (۱۳۹۳) عملکرد ایران در موافقت‌نامه حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی (۱۹۷۲) را بررسی کرده‌اند. ایران ۱۷ اثر فرهنگی را ثبت جهانی کرده است و در بین هفت اثر طبیعی، دو اثر طبیعی پارک‌های ملی گلستان و کویر ثبت جهانی شده بودند. حمزه‌ای و حسنی باقری (۱۳۹۵) قوانین مربوط به حفظ میراث فرهنگی را مطالعه اسنادی کرده‌اند. دلایل علمی، مذهبی و فلسفی و تأکید بر مزایای اقتصادی در صنعت گردشگری حفاظت از این آثار را ضروری می‌سازد. این نویسندگان لزوم توجه جدی مسئولان میراث فرهنگی را به حفاظت از این آثار را مورد تأکید قرار دادند. عباسی (۱۳۹۹) به بررسی حقوق و تکالیف مالکان در ثبت آثار فرهنگی پرداخت. این مطالعه توصیفی - تحلیلی با روش اسنادی انجام شد. طبق نظر نویسنده مقاله، پس از ثبت یک اثر در فهرست آثار ملی، حمایت‌های متعددی قانونی شامل حفاظت فیزیکی، فنی و انواع حمایت‌های حقوقی از آن شده و حقوق، تکالیف و محدودیت‌هایی را برای مالک و متصرف خصوصی از جمله درباره حفاظت، مرمت و انتقال آن اثر به همراه دارد (شفیعا و طلایی شگری، ۱۴۰۰). طبق گزارشی درباره جایگاه دیوان عدالت اداری در خروج آثار تاریخی و فرهنگی از فهرست آثار



ملی ثبت شده پژوهشی را انجام داد. تا سال ۱۳۹۹، ۸۵ اثر ملی حکم دیوان عدالت اداری برای خروج از ثبت فهرست آثار ملی را دریافت کردند که خطر باز شدن مسیر دلالی و سوداگری را بازمی‌کند. طبق این گزارش سه ایراد کلیدی در دو قانون حفظ آثار ملی ۱۳۰۹ و ثبت آثار ملی ۱۳۵۳ نیاز به رفع شدن دارد و جلسات دیوان عدالت اداری در مورد خروج آثار ملی به صورت علنی و با حضور کارشناسان ذی‌ربط برگزار شود و رسانه‌های عمومی در این جلسات زمینه نظارت عمومی و میراث فرهنگی را فراهم کنند. حیدری و جلالی (۱۴۰۰) نظام حقوقی انگلیس و ایران در حفاظت از آثار ملی فرهنگی را بررسی کرده‌اند. در انگلستان، حفاظت از میراث فرهنگی به عهده دولت انگلیس است؛ اما بخش عمومی با به رسمیت شناختن نهادهای غیردولتی و جوامع محلی در حفاظت از اثر فرهنگی نقش مهمی دارند. در ایران حفاظت از میراث فرهنگی جز قلمرو حاکمی است و نقش کمتری برای نهادهای غیرمردمی و جوامع محلی برای مشارکت و حفاظت وجود دارد. زرنیدیان (۱۴۰۱) نیز جایگاه میراث فرهنگی را در برنامه توسعه کشور بررسی کرد و معایبی مانند تصویب غیر تخصصی، عدم نظارت بر اجرای احکام، عدم اولویت‌بندی، عدم پیش‌بینی منابع مالی و عدم تطابق ماهیت قوانین برنامه با قوانین بودجه، منوط کردن احکام به تهیه آیین‌نامه‌ها و عدم پاسخگویی ساختار برنامه‌نویسی در شرایط بحرانی و امکان تغییر اولویت‌ها در سه جنبه تدوین، اجرا و ارزیابی قوانین برنامه توسعه را بیان کرد.

در بررسی‌های انجام شده از منظر حقوقی به مسئله حفاظت از آثار فرهنگی ملی توجه شده است. اصل ۸۳ قانون اساسی از جمله اصولی است که تا به حال در مورد آن قوانین و مقررات تکمیلی مصوب نشده است و همچنان تعریف و معیارهای سنجش آن دارای ابهام است. طبق این اصل، بناها و اموال دولتی که در دسته نفایس ملی هستند بدون نظر مجلس شورای اسلامی قابل انتقال نمی‌باشند و تصمیم‌های اتخاذ شده در مورد این نفایس به واسطه نبود سازوکار مناسب تشخیص و واگذاری، می‌تواند موجب تخریب اصل یا بخشی از آثار شوند.

#### ۴. ملاحظات نظری

##### ۴-۱. تعریف مفاهیم

##### ۴-۱-۱. نفایس ملی و میراث فرهنگی

از آن جهت که فرهنگ دارای دو نمود نرم و سخت است، میراث فرهنگی هم دو



جنبه ملموس و غیرملموس دارد. بُعد نرم فرهنگی اشاره به آداب، رسوم و جنبه‌های فکری - فرایندی دارد که به واسطه سبک زندگی و تعاملات اجتماعی - محیطی شکل می‌گیرد. بخش مهمی از بُعد سخت فرهنگی نیز از بُعد نرم حاصل می‌شود، چراکه پیش‌زمینه‌های فکری و تفکرات است که موجب ساخت و شکل‌گیری بناها و آثار فرهنگی است؛ بنابراین، میراث ملموس، همان نمودهای عینی و قابل لمس فرهنگ است که از گذشتگان به جا مانده است. ماهیت میراث فرهنگی از آن جهت که گذشته و منتسب شدن به گذشتگان، تکرارپذیر و جایگزین‌پذیر نمی‌باشد، دارای اصالت است. نگهداشت این میراث برای نسل‌های آینده اقدامی حیاتی و اساسی است. ثبت آثار ملی یکی از اقدام‌های حاکمیتی است تا امکان حفاظت و حمایت از میراث فرهنگی را ممکن سازد. قانون‌گذار لازم است تا مشخص کند، چه چیز اثر ملی است و دارای اهمیت میراثی است. با نگاه به حقوق ایران مشخص است که آثار ملی مانند جنگل دارای مفاهیم و واژگان متفاوت با همپوشانی است. اثر ملی، اموال فرهنگی، اموال تاریخی، اموال هنری، اشیای عتیقه، دفینه، آثار ملی طبیعی و نفایس ملی از جمله این مفاهیم هستند که در قوانین و مقررات کشور، بخشی از میراث فرهنگی را مورد توجه و اشاره قرار داده‌اند (کریمی و خیرخواه، ۱۳۹۹). تمام مفاهیم ذکر شده، به واسطه قانون‌هایی دارای تعریف است به غیر از مفهوم نفایس ملی که در قانون اساسی طرح شده است. شاید مهم‌ترین دلیل این بی‌توجهی به مفهوم‌سازی نفایس ملی، مطرح شدن آن در قانون اساسی و مسکوت ماندن قوانین تخصصی و عمومی درباره آن است. یا اینکه موضوع نفایس ملی به دلیل اولویت‌هایی که پس از انقلاب به جامعه تحمیل شد (دفاع مقدس، سازندگی و تحریم‌ها)، در فهرست موضوعات بااهمیت قرار نگرفت. در اصل ۸۳ قانون اساسی، موضوع واگذاری نفایس ملی بحث شد و قانون‌گذاری و واگذاری نفایس منحصر به فرد را ممنوع اعلام کرد، همچنین واگذاری نفایس ملی غیرمنحصر به فرد را به نظر مجلس شورای اسلامی واگذار کرد (فتحی و دیگران، ۱۳۹۷). مهم‌ترین منابع برای درک و تفسیر مفهوم نفایس ملی، مشروح جلسات ۳۳ و ۳۴ مجلس برای رأی‌گیری در مورد اصل ۸۳ قانون اساسی و همچنین کارشناسان، مجریان و متخصصان میراث فرهنگی است که به صورت مستقیم با شناسایی نفایس ملی درگیر بوده‌اند.

#### ۴-۱-۲. معیارهای شناسایی نفایس ملی

نبود معیار و شاخص مصوب در مورد نفایس ملی موجب شد تا کارشناسان این



حیطه از روش‌های تجربی<sup>۱</sup>، اجماعی<sup>۲</sup> یا تکیه به ثبت‌های جهانی<sup>۳</sup> اقدام به شناسایی نفایس ملی کنند. در رویکرد تجربی تعدادی نمونه خاص که در مورد نفیسه ملی بودن آنها توافق نظر بوده است معیار قرار می‌گیرند و بر مبنای آن، نفیسه ملی بودن سایر نمونه‌ها مورد قضاوت قرار می‌گیرد. این روش می‌تواند به‌عنوان رویکرد کمکی استفاده شود. در رویکرد اجماع، نمونه‌ای منقول یا غیرمنقول در جمع کارشناسان بررسی می‌شود و درنهایت در مورد آن قضاوت جمعی می‌کنند. ساده‌ترین پیامد آن این است که اثری در یک دوره زمانی، نفیسه ملی در نظر گرفته نمی‌شود؛ اما در دوره‌ای دیگر که احتمالاً آسیب‌هایی به آن وارد شده است، نفیسه شناخته می‌شود<sup>۴</sup>. همچنین در رویکرد تکیه به ثبت جهانی (توسط یونسکو)، معیار شناسایی نفیسه ملی نظر سازمان‌های جهانی قرار داده می‌شود و از آن جهت که سیاست‌های جهانی به ثبت تمامی آثار نفیس کشورها تأکید ندارد، بسیاری از نفایس ملی هیچ‌گاه فرصت ثبت جهانی را نخواهند داشت. در بررسی حاضر از روش تجربی استفاده می‌شود.

## ۲-۴. مبانی نظری

### ۲-۴-۱. ارتباط اصل ۸۳ با قوه مقننه

در بند ۳ از ماده ۱۷۹ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی که در مورد اقداماتی از دولت صحبت شده که بایستی قبلاً به تصویب مجلس برسد، آمده است: «فروش بناها و اموال دولتی و نفایس ملی به استثنای نفایس ملی منحصربه‌فرد که در هر

۱. به گفته ناصر پازوکی عضو سابق کمیته تشخیص نفایس ملی در مصاحبه با ایسنا، در دوره‌ای تلاش شد تا با معیار قرار دادن ۱۵ اثری که از جمله نفایس ملی هستند، ویژگی‌هایی استخراج شود و معیار قرار گیرد.

<https://www.isna.ir/news/8310-05348/>

۲. به گفته پرهام جانفشان مدیرعامل سابق و رئیس هیئت‌مدیره صندوق احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی در مصاحبه با ایلنا با خبرگزاری ایلنا برای تشخیص نفایس ملی به عقل جمعی مراجعه می‌شود.

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-650580>

۳. بر مبنای مصاحبه رئیس پیشین سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با ایسنا و اظهارنظر ایشان در مورد اینکه فقط آثار جهانی نفیس ملی‌اند. رویکردی که به گفته ایشان به دلیل کمبود منابع مالی برای تملک و احیای آثار نفیس اتخاذ شده است و از اساس دارای اشکال است. چراکه ثبت‌های جهانی با تأکید بر تعداد محدودی از آثار نفیس صورت می‌گیرد و قرار نیست تمامی نفایس جهانی را شامل شود و وابسته شدن به آن به معنای رها کردن بخش با اهمیتی از نفایس ملی است. در ساده‌ترین حالت نفایس ثبت شده در جهان را می‌توان نفایس جهانی در نظر گرفت و جایگاه نفایس ملی همچنان قابل طرح با اهمیت است.

<https://www.isna.ir/news/93032815650/>

۴. پرهام جانفشان گفت: ممکن است امروز یک بنا بر مبنای خرد جمعی نفیس به حساب نیاید؛ اما مدتی بعد بر اساس خرد جمعی، همان اثر نفیس شناخته شود.

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-650580>





صورت قابل فروش نخواهد بود». درحالی که در اصل ۸۳ قانون اساسی از واژه انتقال استفاده شده است. واژه انتقال در علم حقوق به معنای زوال حقی از موضعی به موضع دیگر است؛ مانند حق مالک انتقال دهنده به موجب عقد، زائل می‌شود و به مشتری تعلق می‌گیرد. از آن جهت که انتقال، هم معنای زوال حق دانسته شده و می‌تواند هم به اعیان و هم به اعیان به همراه منافع اشاره داشته باشد، الزامی به عینی بودن و ملموس بودن انتقال وجود ندارد؛ بنابراین، دامنه شمول مفهوم انتقال بیشتر از فروش است و عملاً با تعریفی که آیین‌نامه داخلی مجلس ارائه کرده است، دایره اختیار موجود در اصل ۸۳ قانون اساسی محدود شده است.

ماهیت موضوع نقل و انتقالات بناها و اموال دولتی، از نوع اجرایی است نه قانون‌گذاری<sup>۱</sup> و مطرح شدن اصل ۸۳ قانون اساسی به این شکل، نشان‌دهنده اهمیت موضوع و اراده قانون‌گذار به ایجاد سازوکار و نظارتی نسبت به نفایس ملی دارد؛ بنابراین، دولت است که بایستی با ارائه لایحه به مجلس، درخواست نظر کند؛ اما مرجع تشخیص و در ادامه تصویب انتقال نفایس ملی به غیر، مجلس شورای اسلامی است نه دولت، چراکه طبق اصل ۸۳ قانون اساسی مرجعیت تشخیص نفایس ملی به عهده مجلس شورای اسلامی قرار داده است<sup>۲</sup>. هر چند از آن جهت که طبق اصل ۴۵ قانون اساسی آمده است: «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند». لذا نفایس ملی هم شامل اصل ۴۵ قانون اساسی است و این اموال در اختیار حکومت اسلامی است و تصمیم‌گیری مجلس در مورد نفایس ملی می‌تواند دارای مشکل ارزیابی شود.

۱. مطابق اصل ۷۱ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی، می‌تواند قانون وضع کند.

۲. بر خلاف اصلاح تبصره الحاقی ماده (۸) آیین‌نامه اجرایی ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت در تاریخ ۱۳۸۳/۵/۲۶ در هیئت وزیران که سازمان میراث فرهنگی را مرجع قرار داده است. البته این اقدام دولت به‌واسطه مسکوت بودن قانون‌گذار رخ داده که از آن به‌عنوان آیین‌نامه‌های مستقل یاد شده است.

## ۴-۲-۲. ارتباط اصل ۸۳ با قوه مجریه

به استناد اصلاح تبصره الحاقی ماده (۸) آیین‌نامه اجرایی ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت در تاریخ ۱۳۸۳/۵/۲۶ در هیئت وزیران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مرجع تشخیص اموال و بناهای دولتی که از نفایس ملی هستند می‌باشد. لذا بعد از این مصوبه، رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در آن زمان دو کمیته با عناوین کمیته تشخیص نفایس ملی منقول و کمیته تشخیص نفایس ملی غیرمنقول را تشکیل داد، لکن این امر در عمل نتیجه عملیاتی خاصی در زمینه شفاف‌سازی مفهوم و معیارهای سنجش نفایس ملی دربرداشت. در سال ۱۳۹۹ مجدداً فعالیت کمیته مذکور در معاونت میراث وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی آغاز به کار کرد و در قالب کمیته تشخیص نفایس ملی جلساتی را برگزار کرد. در این جلسات در مورد تشخیص نفیسه ملی بودن یا نبودن رأی‌گیری می‌شود و متناسب با آن نسبت به نحوه به‌کارگیری آثاری که از نفایس ملی شناخته نمی‌شوند، تصمیم‌گیری می‌گردد<sup>۱</sup>. از آن جهت که تصمیم در مورد نفیسه ملی بودن یا نبودن یک اثر با تصمیم‌گیری در مورد نحوه استفاده همراه شده است، نقش ناظر و مجری در این کمیته متمرکز شده است که می‌تواند موجب آسیب به نفایس ملی شود.<sup>۲</sup>

## ۴-۲-۳. قوانین و مقررات مرتبط

قانون اساسی عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور است که زمینه‌سازی تنظیم قوانین دیگر را ممکن می‌سازد؛ بنابراین، قوانین تنظیم شده پس از آن نایستی در تضاد و

۱. گزارش جلسه‌های کمیته تشخیص نفایس ملی در سایت دولت قرار می‌گیرد و تصمیم‌ها در مورد بناها ابلاغ می‌شود؛ به‌طور مثال جلسه پنجم کمیته در تاریخ ۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ برگزار شد و ۲۸ اثر بررسی شد و نسبت به واگذاری مدرسه هدایت ارومیه که در اختیار وزارت راه و شهرسازی است تذکر داده شد.

<https://dolat.ir/detail/363059>

۲. به استناد بند ز ماده ۱۱۴ احکام دائمی قانون برنامه چهارم توسعه کشور به‌منظور تعیین و اعطای مجوز کاربری و بهره‌برداری مناسب از بناها و اماکن تاریخی و فرهنگی قابل احیا از طریق سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی داخلی و خارجی، صندوق توسعه صنایع دستی و فرش دستباف و احیاء و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی به‌عنوان مؤسسه‌ای غیرانتفاعی و وابسته به وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی تأسیس شده است که در راستای بهره‌برداری اقتصادی از این بخش تاریخی فعال است. این صندوق یکی از پیشنهاددهنده‌های کلیدی آثار مورد بررسی در کمیته نفایس ملی است که در صورت مصوب شدن، امکان بهره‌برداری از این بناها را خواهد داشت؛ بنابراین، اظهار نظر کمیته نفایس در ارتباط با منافع مدنظر صندوق خواهد بود.

تناقض با آن باشد. موضوع مطرح شده در اصل ۸۳ قانون اساسی را می‌توان در دو بازه زمانی قبل و بعد از تنظیم قانون بررسی کرد تا مشخص شود، قوانین و مقررات مرتبط با آن چه پیام و مفهومی داشته‌اند؛ بنابراین جدول ۱ خلاصه‌ای از این قوانین است.

### جدول (۱): مواد قانونی پیش از پس از تصویب قانون اساسی در ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با نفایس ملی (منبع: نگارندگان)

ماده قانونی	تفسیر در ارتباط با موضوع
قانون مدنی ۱۳۰۷	تأیید مالکیت بر اموال پیدا شده توسط مالک غیردولتی (این مال می‌تواند از نفایس منقول باشد)
قانون راجع به حفظ آثار ملی ۱۳۰۹	دولت متولی آثار ملی است و در زمینه اکتشاف و حفر باید با او هماهنگ شد. مالکیت خصوصی به آثار فرهنگی مورد تأیید است؛ اما بایستی تحت نظارت دولت باشد.
قانون امور گمرکی ۱۳۰۷	ممنوعیت صادرات
قانون ثبت آثار ملی ۱۳۵۲	قید تا انتهای سلسله زنجیره برداشته شد و تمامی آثاری که شأن تاریخی و ملی هستند آثار ملی خواهند بود.
مصوبه شورای انقلاب درباره ممنوعیت صدور هر گونه اشیاء عتیقه و هنری و زر و سیم ۱۳۵۸	ممنوعیت صادرات
قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی ۱۳۶۹	ممنوعیت صدور
قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی و اساسنامه آن ۱۳۷۰	تنها جایی که صحبت از نفایس شده است این قانون است. دارای ارزش ویژه بودن و نشان‌دهنده هنر ملی از خصوصیات آن است. زمان عامل تعیین‌کننده به حساب نیامده است.
قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ۱۳۷۵	نحوه استفاده بایستی تحت نظر و کنترل باشد.
قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰	امکان استفاده از نفایس وجود ندارد.
آیین‌نامه اجرایی ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ۱۳۸۱	نفایس ملی توسط دولت قابل واگذاری نیست.
اصلاح تبصره الحاقی ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از	واگذاری وظیفه تشخیص نفایس ملی به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری بر خلاف اصل قانون



تفسیر در ارتباط با موضوع	ماده قانونی
اساسی توسط دولت	مقررات مالی دولت ۱۳۸۱
به رسمیت شناخته شدن مالکیت خصوصی ولی در فهرست قرار گرفتن آثار داری اهمیت ملی. جای توجه دارد، آثار دارای اهمیت ملی نیز تعریف مشخصی نشده است.	آیین نامه مدیریت، سامان دهی، نظارت و حمایت از مالکان و دارندگان اموال فرهنگی - تاریخی منقول مجاز ۱۳۸۴
استفاده از نفایس ملی از شمول بناها و اماکن تاریخی - فرهنگی آثار ملی مستثنا شد.	قانون احکام دائمی برنامه های توسعه ۱۳۹۶

یکی از مهم ترین مسائل مطرح شده در قوانین و مقررات، موضوع مالکیت بر میراث فرهنگی است. موضوعی که در اصل ۸۳ قانون اساسی هم جای بحث و مناقشه بین نمایندگان بود و اساساً یکی از دلایل مطرح شدن این اصل قانون اساسی است. مطابق روایات<sup>۱</sup> و قاعده فقهی تسلیط<sup>۲</sup> مطلق بودن مالکیت امری پذیرفته شده است و برای اعمال محدودیت در مورد آن بایستی ادله مشخصی داشت؛ بنابراین، محدود کردن مالکیت غیردولتی در مورد نفایس ملی بایستی با تدبیر و تحلیل صورت گیرد و در قبال آن سازوکار مناسبی در نظر گرفته شود. سیر قوانین موجود از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۹۶ نشان می دهد، هر چند مالکیت بر اموال پیدا شده توسط یابنده ممکن است اما از آن جهت که ارزش معنوی آثار منقول و غیرمنقول نمی تواند مختص یک فرد باشد، تصمیم گیری در مورد کشف، بهره برداری و... از آن وابسته به نظارت و نظر دولت شده است. یعنی دولت به عنوان متولی در نگهداشت و حفظ ارزش معنوی برای نسل های آینده مسئول شده است و تمامی اتفاق ها بایستی با هماهنگی و اطلاع وی صورت گیرد. خط قرمز قانون، صادرات این آثار است که در برای آن ماده قانونی و جرایم مشخصی مصوب شده است. آنچه در این بین به عنوان شکاف به نظر می رسد، عدم شفاف سازی قانون گذار در مورد مفهوم نفایس ملی، عدم مشخص کردن معیارهای لازم برای شناسایی نفایس ملی، نامشخص بودن رویکرد حمایتی از مالکین خصوصی نفایس ملی و تعدد واژه های استفاده شده در مورد میراث فرهنگی است.

۱. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده که فرمودند: «ان الناس مسلطون علی اموالهم»؛ همانا مردم بر اموال خویش مسلط هستند (مجلسی، بی تا، ج ۲، ص. ۲۷۲، کتاب العلم، باب ۳۳، حدیث ۷).  
 در روایت دیگری از امام جعفر صادق (علیه السلام) آمده است: «ان لصاحب المال ان يعمل بماله ماشاء مادام حیا»؛ صاحب مال اختیار دارد تا هنگامی که زنده است اموال خویش را هر گونه که خواست به مصرف رساند (حرعاملی، بی تا، ج ۱۳، ص. ۳۸۱، احکام الوصایا، باب ۱۷، حدیث ۲).  
 ۲. الناسُ مُسَلِّطُونَ عَلٰی اَمْوَالِهِمْ. به عنوان یک قاعده فقهی مورد قبول شیعه و سنی است.

## ۵. روش پژوهش

این پژوهش به دنبال رفع ابهام از مفهوم به کار رفته در اصل ۸۳ قانون اساسی است. در این مقاله از روش پژوهش اسنادی استفاده می‌شود که در حوزه مدیریت انجام شده است. در روش اسنادی ابتدا موضوع انتخاب می‌شود که با توجه به پژوهش حاضر هدف گزارشی ساده از یک مسئله فرهنگی (نفایس ملی) است. سؤال‌های مرتبط با این موضوع پژوهش از نوع چیستی است (نفایس ملی چیست؟ معیارهای شناخت آنها چیست و چه سازوکاری برای مدیریت نفایس ملی در اختیار غیردولت می‌توان در نظر گرفت). برای بسط دیدگاه و تعیین دامنه پژوهش بررسی‌های اکتشافی انجام شد. پس از جمع‌آوری اطلاعات اولیه و مشورت‌های علمی، هم با ادبیات و واژگان تخصصی موضوع آشنایی حاصل شد (نفایس ملی منحصر به فرد، میراث فرهنگی نرم و سخت، اصل ۸۳ قانون اساسی، حفاظت از آثار ملی). جهت مسیر پژوهش و حوزه مطالعاتی مشخص شد. محل دسترسی به داده‌ها شامل کتابخانه، سازمان‌های پژوهشی مانند کتاب‌ها، تارنما‌های مرتبط با انتشارات آثار پژوهشی مانند جهاد دانشگاهی، پایگاه علوم انسانی و... بود. بعد از گردآوری اطلاعات، برای گزارش پژوهش از روش نگارش استفاده شد. برای پاسخ به این سؤال‌ها، دو منبع معتبر قابل استفاده است. اولی مشروح جلسات ۳۳ و ۳۴ که اصل ۸۳ قانون اساسی در آن مصوب شده است. دیگری افراد خبره و متخصصی که به شرح جدول (۲) می‌باشند. به این صورت که ایده‌های مستخرج در قالب هیبتی از جملات و بندهای جدید به همراه نقطه نظرات پژوهشگر بازنویسی شدند. برای نوشتن بندها از روش قیاسی استفاده شد. از آنجاکه واژگان کلیدی راهنمای پژوهش هستند از آنها در عنوان بندی و بخش بندی استفاده شد. این ساختار بندی به گونه‌ای تنظیم شد که مخاطب بتواند از سیر مباحث و مفهوم اصلی یعنی نفایس ملی و منحصر به فرد در ایران آگاهی پیدا کند.

جدول (۲): افراد مصاحبه شونده در این مطالعه

تعداد	خصوصیات	زمینه تخصصی
۶	مدیرانی که در دوره‌های مختلفی که سازمان یا وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی فعالیت داشته است، در کمیته نفایس ملی حضور داشته‌اند یا نسبت به تصمیم‌های این کمیته نقش مؤثر داشته‌اند.	مدیرانی اثرگذار
۹	کارشناسانی که به واسطه انجام امور اجرایی در ادارات و سازمان‌های ذی ربط با مفهوم و نمونه‌های نفایس ملی درگیر بوده‌اند و موضوع را از زاویه	کارشناسان مطلع



تعداد	خصوصیات	زمینه تخصصی
	کاربردی می‌دانند. تجربه‌های این کارشناسان بیش از ۱۰ سال می‌باشد.	
۶	اساتید با درجه دکتری که در دانشگاه تدریس می‌کنند و در مورد مفاهیم میراث فرهنگی به کاررفته در جهان و کشور آشنایی کامل دارند. این اساتید نسبت به قوانین و مقررات موضوعه آشنایی کافی دارند و واژگان به کاررفته در متون حقوقی را می‌دانند.	اساتید دانشگاه

منبع: (نگارندگان)

از آن جهت که تعداد جامعه هدف بسیار محدود و موضوع بحث بسیار تخصصی است، روش نمونه‌گیری گلوله برفی در جهت اشباع نظری مدنظر قرار گرفت. در این روش، مصاحبه شونده‌ها با اظهار نظر در مورد مفهوم نفایس ملی، معیارهای شناسایی و نحوه مدیریت نفایس ملی در اختیار غیردولتی موجب گردآوری داده‌های اولیه برای کدگذاری خواهند شد. محقق در انتهای هر مصاحبه اقدام به کدگذاری‌های باز مبتنی بر متن مصاحبه می‌نماید. پس از انجام هر مصاحبه، کدهای باز به کدهای محوری و درنهایت کدهای گزینشی تبدیل شد تا پاسخ‌های مدنظر استخراج شود (خاکی، ۱۳۹۲). بعد از اتمام هر مصاحبه و کدگذاری‌های مرتبط، محقق بررسی می‌کند که آیا با توجه به کدهای به‌دست‌آمده، یافته‌های گزینشی به سطحی رسیده که دیگر نیاز به مصاحبه مجدد نباشد؟ در اینجا مفهوم اشباع نظری به معنای دستیابی به سطحی از پاسخ که دیگر ادامه دادن نمونه‌گیری تأثیری روی آن ندارد مطرح است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴). در صورتی که مصاحبه‌های انجام شده کفایت نکند و همچنان زوایای پاسخ‌ها به همگرایی نرسیده باشد، با برقراری تماس با نفر آخر از وی درخواست می‌شود که نفر دیگری که به موضوع نفایس ملی عالم است و دارای نظر نسبت به مفهوم و زوایای آن می‌باشد را معرفی کند و فرایند مصاحبه‌های تودرتو تا زمانی ادامه می‌یابد که اشباع نظری رخ دهد. در این مطالعه، پس از انجام ۱۶ مصاحبه، اشباع نظری مشاهده شد و از آن جهت که اطمینان از این اشباع نیاز به محک زدن داشت، بیش از ۲۰ درصد نمونه‌های گردآوری شده، به‌عنوان تعداد نمونه‌گیری تکمیلی مورد توجه قرار گرفت؛ لذا حداقل ۴ نمونه جدید برای اطمینان از پایان مطالعه در نظر گرفته شد و نمونه پنجم که دستیابی به مصاحبه ۲۱ را فراهم می‌آورد، انتهای فعالیت مصاحبه و کدگذاری همزمان تنظیم شد.

از آن جهت که طبق روش استراس و کوربین، متغیرهای مختلفی مثل علی، میانجی، زمینه‌ای و... معیار استخراج برای طراحی مدل در نظر گرفته شده است؛

ولی این پژوهش به دنبال پاسخ به سؤال‌های اصلی طرح شده است و متغیرهای هدایت‌کننده کدگذاری گزینشی را در نظر گرفته است. جدول زیر نقشه تکامل تا مصاحبه ششم را نشان می‌دهد.

جدول (۳): کدهای جدید و تکراری در فرایند انجام مصاحبه‌ها

سؤال‌ها/مصاحبه‌ها	مصاحبه اول		مصاحبه دوم		مصاحبه سوم		مصاحبه چهارم		مصاحبه پنجم		مصاحبه ششم	
	تأیید	رد	تأیید	رد	تأیید	رد	تأیید	رد	تأیید	رد	تأیید	رد
۱	۵	۰	۶	۱	۳	۲	۷	۳	۲	۱	۳	۲
۲	۴	۰	۸	۴	۱۱	۴	۸	۴	۲	۰	۶	۲
۳	۵	۰	۴	۰	۴	۱	۷	۳	۰	۰	۳	۱
۴	۶	۰	۳	۱	۶	۲	۹	۳	۰	۰	۷	۲

منبع: (نگارندگان)

## ۶. یافته‌ها

### ۶-۱. تحلیل جلسات مجلس شورای اسلامی

در جریان بحث و بررسی در مورد اصل ۸۳ قانون اساسی که با دو بار رأی‌گیری برای تصویب این اصل انجامید، موضوع‌های محوری مطرح شد که به شفافیت مفهوم نفیسه ملی، نفیسه ملی منحصر به فرد و موضوع‌های ضمنی مستتر در این مورد کمک می‌کند. جدول زیر خلاصه‌ای از موضوع‌ها و متون مباحث جلسه ۳۳ و ۳۴ برای تصویب این ماده از قانون اساسی است:

جدول (۴): تحلیل بحث‌های مجلس در زمان تصویب قانون اساسی جمهوری

#### اسلامی ایران

برداشت	تفسیر	مشروح مذاکره
تفاوت نفیسه ملی با نفیسه ملی منحصر به فرد	نفیسه ملی بایستی در ایران نگه داشته شود. برخی استثناها، در جای دیگری از دنیا معرف	شهید بهشتی: جامعه باید بکوشد تا نفایس ملیش را نگه دارد، اما به صورت استثنایی گاهی پیش می‌آید که یکی از نفایس ملی ما باید در گوشه‌ای از دنیا هم باشد تا معرف فرهنگ ما باشد.



پژوهش‌های کتابخانه‌شناسی

مشروح مذاکره	تفسیر	برداشت
	فرهنگ ایران باشد.	
<p>شهید بهشتی: هیچ وقت چیزهای منحصربه‌فرد را در اختیار آنها (سایر کشورها و موزه‌ها) نمی‌گذارند. یکی از نفایس نمونه کوچک ملی ما چه بسا ده نمونه دیگرش هم در کشور هست و نمونه منحصربه‌فرد فرستاد.</p>	<p>این نفایس بایستی چند نمونه مشابه داشته باشند و نمونه منحصربه‌فرد نباشند تا بتوان به دیگر کشورها فرستاد.</p>	
<p>دانش راد: وجود این نفایس در کشور موجب جاذبه توریستی می‌شود و مردم را جلب می‌کند و از این راه علاوه بر افتخار، درآمدی برای مملکت است.</p>	<p>علاقه گردشگران به دیدن نفایس ملی موجب کسب درآمد است.</p>	کارکرد نفیسه ملی
<p>دکتر ضیائی: بناهای تاریخی در این اصل حذف شده و مشترکات عمومی که در پیش‌نویس بود آن‌هم نیست. شهید بهشتی: این چیزهایی است که در قانون عادی معین می‌شود.</p>	<p>برای اموال غیردولتی و... نیاز به تصویب قانون عادی است</p>	
<p>رئانی شیرازی: اگر موافق باشید، بنویسیم ملی و باستانی.</p> <p>شهید بهشتی: ما می‌خواهیم کلی بگیریم و باستانی استثناء است.</p>		لزوم تنظیم قوانین عادی در مورد سایر نفایس ملی (غیردولتی، عمومی، شخصی)
<p>آقای فاتحی: ... راجع به اشیایی که در مالکیت شخص قرار دارد تصمیمی نگرفته‌اند و همچنین از حفظ آثار باستانی و حفاری تپه‌ها حرفی به میان نیامده.</p> <p>شهید بهشتی: چیزهایی در قانون اساسی می‌آید که همیشگی و کلی است و باید زیربنای قانون‌گذاری آینده قرار گیرد.</p>		
<p>آقای فاتحی: اشیایی که در مالکیت شخصی افراد است، آنها چه می‌شود؟ شهید بهشتی: درباره آنها هم دولت قانون می‌گذارند.</p>	<p>دولت بایستی قانون عادی مصوب کند و این سکوت به معنای بی‌اهمیتی آنها نیست.</p>	
<p>کیاوش: برای اینکه غرض این اصل این است که یک چیز بماند و متجلی فرهنگ مملکت باشد. گاهی</p>	<p>تجلی‌دهنده کشور باشد.</p>	اهمیت تجلی فرهنگ در

رابطه با اجتماع فرهنگی



مشروح مذاکره	تفسیر	برداشت
ممکن است شیئی باشد که تجلی‌دهنده هیچ‌چیزی از کشور نباشد و منحصربه‌فرد هم باشد و ضرورتی نداشته باشد. شهید بهشتی: آن‌وقت دیگر جزو نفایس ملی نیست.		نفیسه ملی
شهید بهشتی: ...پس باید یک ارزش فرهنگی برای کشور داشته باشد.	دارای ارزش فرهنگی برای کشور باشد	

منبع: (نگارندگان)

هر چند در اصل ۸۳ قانون اساسی مصداق‌ها و تعاریف مشخصی از نفیسه ملی بودن درج نشده است، با بررسی نظرات نمایندگان مشخص است که نفیسه ملی بایستی دارای جلوه برجسته‌ای از فرهنگ باشد و تکیه صرف به تاریخ اثر، منحصربه‌فرد بودن یا ساخت و سازه اثر کفایت نمی‌کند؛ بنابراین نفیسه ملی، اثری است که بایستی تجلی از فرهنگ باشد. همچنین تفاوت منحصربه‌فرد بودن یا نبودن آن به‌وجود نمونه‌های مشابه در کنار منحصربه‌فردی آن است. نفایس ملی بایستی در ایران نگهداری شوند و در مواردی خاص که منحصربه‌فرد نیستند و نمونه‌های مشابه آنها وجود دارد، با نظر مجلس شورای اسلامی برای نمایش فرهنگ ایرانی امکان انتقال آن به سایر کشورها وجود دارد.



#### جدول (۵): کدگذاری مفاهیم استخراجی از نظرات خبرگان میراث فرهنگی

مفهوم	نقل قول
جاذبه توریستی	وجود این نفایس در کشور موجب جاذبه توریستی می‌شود و مردم را جلب می‌کند
درآمدزایی ملی	و از این راه علاوه بر افتخار، درآمدی برای مملکت است
حفظ نفایس ملی	جامعه باید بکوشد تا نفایس ملیش را نگه دارد،
قانون‌گرایی	به قانون‌گرایی در حفظ نفایس ملی اهتمام باید داشت
ارزش‌گذاری فرهنگی	پس باید یک ارزش فرهنگی برای کشور داشته باشد.
میراث فرهنگی	برای اینکه غرض این اصل این است که یک چیز بماند و متجلی فرهنگ مملکت باشد.

#### ۲-۶. پاسخ سؤال اول پژوهش: نفایس ملی و منحصربه‌فرد چه هستند؟

پس از گردآوری کدهای باز و تلفیق آنها در قالب کدهای محوری و گزینشی



مشخص شد که نفایس ملی شامل میراث فرهنگی است که در مهم‌ترین رکن تجلی فرهنگ و هنر کشور باشد. لذا، در آن یکی یا تعدادی از عوامل فرهنگی شامل دانش بومی، باورهای برجسته مذهبی، باستانی و ملی، هنرهای بومی و خاص، فنون خاص، آداب و سنن رایج یا منسوخ شده، سیاست‌ها و پویش‌های ارزشی و فرهنگی، داستان‌های تاریخی و باستانی، خاطرات جمعی مستتر باشد.

زمانی که ارزش مستتر در نفیسه به فرهنگ و هنر ملی مرتبط باشد و عملاً خاطره، داستان، هنر، فن، باور، ارزش و پویش مرتبط با ملت ایران در آن حلول کرده باشد و در نمونه‌های مشابه خود برجسته و متمایز باشد، نفیسه ملی است. وقتی از یک نفیسه ملی چند نمونه وجود داشته باشد و آن نمونه منحصربه‌فرد و خاص به حساب نیاید، نفیسه ملی منحصربه‌فرد شناخته نمی‌شود؛ اما نفیسه ملی که فقط همان یک مورد از آن موجود باشد و یا به دلیل ابداعات در فرایند ساخت تا بهره‌برداری، داستان تاریخی منصوبه، ارزش هنری مربوطه، نمونه برجسته و متفاوتی به حساب آید، نفیسه ملی منحصربه‌فرد خواهد بود. البته بهترین راه برای شناسایی نفایس ملی و منحصربه‌فرد نسبت به سایر آثار، قرار دادن مصادیق<sup>۱</sup> در کنار این تعریف است.

### ۳-۶. پاسخ سؤال دوم پژوهش: معیارهای شناسایی نفایس ملی کدام‌اند؟

طبق نظرات گردآوری شده، بناهای دارای ارزش تاریخی - فرهنگی که قابل شناسایی به‌عنوان نفایس ملی هستند را می‌توان بر مبنای پنج مؤلفه «اصیل بودن، بدیع بودن، گران‌بها بودن، منحصربه‌فرد ملی بودن و دارای خصایص اعتباری بودن»، شناسایی کرد.

جدول (۲): مؤلفه‌ها برای شناسایی نفایس

معیار	زیر معیار	شرح
محتوایی - فرایندی	بدیع بودن	بناهایی بدیع هستند که از نظر طرح و سازه نوآوری داشته باشند و خالق اثر در آن ابداعاتی ایجاد کرده باشد؛ بنابراین اگر این اثر به شکلی نخستین یا برجسته‌ترین نوع معماری در سبک و سیاق خود باشد می‌توان آن را نفیسه ملی دانست.

۱. مشابه معیارهایی کلی ثبت آثار تاریخی و فرهنگی غیرمنقول که مصوب شورای ملی ثبت آثار در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۲ است و پس از معرفی معیارها برای شفاف‌سازی هر کدام، مصداق‌هایی ارائه نمود؛ به‌طورمثال مسجد جامع خرمشهر را مصداق دو معیار آثاری از معماری و شهرسازی دارای شأن ملی و اماکنی که بر اساس مستندات مورد تأیید شورای ملی ثبت آثار مکان رخداد مهم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... بوده است.

معیار	زیر معیار	شرح
	اصیل بودن	آثاری که به واسطه اینکه به یک اقلیم خاص فرهنگی - جغرافیایی تعلق داشته باشند منحصر به فرد به حساب می‌آیند و می‌توان آنها را نفیسه ملی دانست.
ارزشی	گران بها	ممکن است که اثری اصیل و بدیع نباشند، ولی دارای نوعی از مهارت‌ها باشد که گران بها شناخته شود؛ مثلاً داشتن تزئینات، نقاشی، مقرنس کاری و برش روی چوب که به این اثر ارزش گران بهایی دهد. این آثار نفایس ملی خواهند بود.
تاریخی	منحصر به فرد ملی	بناهایی که جزء فرهنگ ملی ما هستند و یک واقعه خاص به آنها مربوط می‌شود (مثل خانه مشروطه در تبریز)؛ بنابراین، ارتباط این واقعه به این بنا موجب می‌شود تا ارزش نفایس ملی را پیدا کند.
	دارای خصایص اعتباری	مرتبط شدن یک اثر به پیش از دوره یا اتفاقی خاص، خصیصه اعتباری به آن می‌دهد؛ به طور مثال، تمام آثار پیش از دوره حمله مغول نفیس و غیر قابل واگذاری محسوب می‌شوند و دارای خصایص اعتباری هستند و می‌توان از آن به نفایس ملی یاد کرد.

منبع: (نگارندگان)

بنابراین سه مؤلفه اصلی محتوایی - فرایندی، تاریخی و ارزشی را می‌توان معیاری برای شناسایی نفایس ملی دانست: از نظر محتوایی - فرایندی، دارای ابداع در سبک و سیاق باشد که بتوان آن را نخستین بدعت در نوع خود دانست یا به واسطه هم‌خوانی با اقلیم خاص فرهنگی - جغرافیایی کشور دارای اصالت و متمایز شناخته شود. از نظر تاریخی، اشاره داشتن به یک واقعه تاریخی خاص یا دارای ارزش فرهنگی که در تاریخ ایران یا جهان ثبت شده و دارای روایت معتبر است. از نظر ارزشی، با بهره‌گیری از مهارت‌های بالا و داشتن ظرافت‌های هنری، گران بها شناخته شود، هر چند که از نظر محتوا و فرایند بدعتی جدیدی ایجاد نکرده باشد.<sup>۱</sup>

۱. مصداق‌های مورد نیاز در این بخش را می‌توان بر مبنای معیارهای ثبت آثار تاریخی و فرهنگی غیرمنقول ابلاغ شده توسط وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۲ در نظر گرفت و با توجه به نمونه‌های جدیدی که به فهرست نفایس ملی افزوده می‌شود، به‌روز نمود. انجام این کار بر عهده کمیته نفایس ملی است و هر سال یکبار این مصداق به‌روز خواهد شد.



## ۴-۶. پاسخ سؤال سوم پژوهش: مرجع تصویب نفیسه ملی و منحصر به فرد چیست؟

لازم است کمیته‌ای مستقل با عنوان «کمیته نفایس ملی» فعال شود که دارای ماهیت فرادستگاهی<sup>۱</sup> باشد. این کمیته با ریاست رئیس جمهور و دبیری وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در محل وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی تشکیل می‌شود که با عضویت وزیران کشور، فرهنگ و ارشاد اسلامی، راه و شهرسازی، دادگستری، امور خارجه، امور اقتصاد و دارایی و رؤسای سازمان اوقاف و امور خیریه، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، سازمان برنامه و بودجه<sup>۲</sup> هم همراه است. به همراه حضور ناظر سه عضو از کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی. همچنین، هشت کارشناس حقیقی خبره که به تأیید و ابلاغ رئیس جمهور خواهند رسید. این خبرگان شامل دو کارشناس رسمی دادگستری به پیشنهاد وزیر دادگستری، دو کارشناس میراث فرهنگی به همراه دو کارشناس باستان‌شناسی و دو کارشناس تاریخ به پیشنهاد وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و دو کارشناس معماری به پیشنهاد وزیر راه و شهرسازی به این کمیته افزوده می‌شود که نظر مشاوره‌ای ارائه می‌کنند. اعضای حقیقی خبره نایستی در بازه زمانی چهار سال قبل از عضویت در این کمیته، فعالیتی مرتبط با ساخت‌وساز یا خرید و فروش صنایع فرهنگی داشته باشند، تا تضاد منافع در تصمیم‌گیری‌ها و نظرات آنها رخ ندهد. بررسی صحت این شرط به دبیرخانه دایر شده در وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی واگذار می‌گردد. این دبیرخانه موظف است پس از تأیید اولیه، فعالیت‌های اعضای خبره در زمان عضویت را زیر نظر داشته باشد و در صورت مشاهده هر گونه تضاد منافع، به کمیته نفایس گزارش مستند ارائه دهد. تصمیم‌گیری در مورد عزل اعضای حقیقی خبره، به اولین جلسه کمیته نفایس ملی موکول خواهد شد.

وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مکلف است شش ماه پس از تشکیل کمیته، گزارشی از کلیه نفایس ملی و نفایس ملی منحصر به فرد احتمالی که در اختیار دولت و غیردولت است تهیه کند و در اختیار کمیته قرار دهد. این

۱. تشکیل کمیته در راستای صیانت از نفایس ملی به‌عنوان یکی از ثروت‌های عمومی (موضوع اصل ۴۵ قانون اساسی) باید به‌صورت بین‌دستگاهی انجام شود.

۲. به‌جهت دسترسی به منابع و ظرفیت میراثی که در اختیار دارند.

فهرست به صورت ۶ ماه یکبار توسط وزارتخانه به روزرسانی خواهد شد و در اختیار کمیته قرار خواهد گرفت.

کمیته نفایس ملی وظیفه دارد تا در مورد نفیسه ملی بودن و نفیسه ملی منحصر بودن بناها و اموال دولتی و غیردولتی اظهار نظر کند و به عنوان مرجع اصلی فهرست نهایی نفایس ملی را اعلام و پس از تصویب در اختیار مجلس شورای اسلامی<sup>۱</sup> و رسانه‌ها قرار دهد؛ بنابراین مجلس شورای اسلامی مبتنی بر اصل ۸۳ قانون اساسی در مورد انتقال نفایس ملی اظهار نقش تصمیم‌گیرنده خواهد داشت و در امور اجرایی نیز دخالت نمی‌کند.

حمایت از نفایس ملی و منحصربه‌فرد در کنار حمایت از مالکان غیردولتی آنهاست. طبق این قانون، دولت بایستی با سازوکاری مشخص<sup>۲</sup> در جهت تملک یا حمایت از نفایس ملی در اختیار مالکان غیردولتی اقدام‌های لازم را انجام دهد<sup>۳</sup>؛ لذا ثبت نفایس شناسایی شده توسط کمیته نفایس ملی در فهرست مربوطه به ثبت آثار ملی اجباری است و تمامی قوانین و مقررات مربوطه به این فهرست در مورد آنها نیز صادق است. برای حمایت از حقوق مالکین خصوصی که بهره‌برداری از دارایی آنها به واسطه این قانون با مشکل مواجه می‌شود<sup>۴</sup> صندوقی با عنوان «صندوق انتقال حق توسعه میراث فرهنگی» تشکیل خواهد شد. این صندوق بر مبنای دریافت بخشی از ارزش افزوده‌ای که بناها، اموال منقول و غیرمنقول خارج فهرست و مرتبط با نفایس ملی برای مالکان آنها ایجاد کرده است، تأمین سرمایه می‌شود.<sup>۵</sup> این صندوق مکلف است هر ساله برنامه حمایتی خود از فهرست نفایس ملی با مشخص‌سازی نفایس ملی دارای اولویت برای تملک و نفایس ملی دارای اولویت برای کمک‌های مالی، مرمتی و کارشناسی را در اختیار کمیته نفایس ملی قرار دهد. کمیته نفایس ملی

۱. این تحویل گزارش مطابق اصل ۸۳ قانون اساسی و برای تصویب توسط مجلس شورای اسلامی بر انتقال نفایس و ممانعت از انتقال نفایس منحصر به فرد می‌باشد.

۲. تملک نفایس ملی منحصربه‌فرد در اولویت قرار خواهد گرفت.

۳. تعیین این اولویت به کمیته نفایس ملی واگذار می‌شود.

۴. با عنوان حق عدم انتفاع از منافع که به دلیل محدود شدن مالکین این اموال به فروش یا تخریب می‌توان تعریف کرد.

۵. مشابه برنامه‌های انتقال حق توسعه در شهر یا TDR که در آن حفاظت از یک زمین یا باغ برای مالک آن حقی ایجاد می‌کند که قابل انتقال به افرادی است که اقدام به ساخت‌وساز می‌کنند. این حق موجب می‌شود که حفاظت از این زمین یا باغ و عدم ساخت‌وساز در آن به‌صرفه باشد؛ بنابراین مالکین نفایس ملی که نمی‌توانند از فروش یا بهره‌برداری از منافع اموال خود منتفع بشوند و اموال آنها در فهرست اولویت خرید دولت قرار ندارد، از این طریق منتفع می‌شوند.



مصوب‌کننده اولویت‌های سالانه صندوق خواهد بود و در انتهای هر سال صحت فعالیت‌های این صندوق را با تطابق با اولویت‌های مصوب شده بررسی می‌نماید.

## نتیجه‌گیری

مبتنی بر این گزارش مشخص است که اصل ۸۳ قانون اساسی بدون تعریف، توسعه و تفسیر باقی مانده است. از آن جهت که مسکوت ماندن در این زمینه، موجب فساد و آسیب‌های جبران‌ناپذیر عمومی است، این پژوهش به دنبال برطرف کردن این ابهام است. این مطالعه نشان داد که نفایس ملی دارای رکن اصلی فرهنگ و هنر کشور ایران است که در آن عوامل فرهنگی مثل دانش بومی، باورهای برجسته مذهبی، باستانی و ملی، هنرهای بومی و خاص، فنون خاص، آداب و سنن رایج یا منسوخ شده، سیاست‌ها و پویش‌های ارزشی و فرهنگی، داستان‌های تاریخی و باستانی، خاطرات جمعی مستتر باشد. ممیزه‌ای که نفیسه ملی را از نفیسه ملی منحصره‌فرد متفاوت می‌کند، موضوع برجسته بودن، متفاوت بودن از سایر نمونه‌ها و وجود یک نمونه از نفیسه ملی می‌باشد. برای شناسایی نفایس ملی سه معیار محتوایی - فرایندی (بدیع بودن، اصیل بودن)، ارزشی و تاریخی (منحصره‌فرد ملی و دارای خصایص اعتباری) قابل طرح است. از نظر محتوایی - فرایندی، انتظار می‌رود ابداع و سیاقی مشاهده شود که نخستین بدعت در نوع خود باشد یا به واسطه همخوانی با اقلیم، اصالت و متمایز شناخته شود. از نظر تاریخی، اشاره به موضعی تاریخی که خاص است یا به واسطه داشتن روایتی معتبر، ارزشمند تاریخی شناخته شود. از نظر ارزشی، به واسطه استفاده از مهارت‌ها و ظرافت‌های هنری بتوان آن اثر را گران‌قیمت و ارزشی دانست.

آنچه مسلم است، نفایس ملی نیازمند مصادیقی دارند که در کنار این مؤلفه‌ها امکان شناسایی و تمیز دادن نمونه‌های دیگر را ممکن نماید؛ بنابراین، تکیه به روش تجربی و توجه به ثبت‌های جهانی در شناسایی مصادیق مؤثر خواهد بود.

یکی از یافته‌های ویژه در روش مصاحبه دستیابی به سؤال‌ها و مسائلی است که پیش از انجام پژوهش نسبت به آن اطلاع کافی وجود ندارد. در این پژوهش مشخص شد که قانون آیین‌نامه مجلس شورای اسلامی دارای مشکل است. بند ۳ از ماده ۱۷۹ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی به موضوع فروش نفایس ملی اشاره دارد، در حالی که در اصل ۸۳ به واژه انتقال که مفهومی وسیع‌تر است مشاهده می‌گردد.

در پاسخ به سؤال چهارم پژوهش «چه سازوکاری برای مدیریت نفایس ملی در

اختیار غیردولت می‌توان در نظر گرفت؟» موارد زیر قابل تأمل است.

به‌منظور اجرای هدفمند اصل ۸۳ قانون اساسی پیشنهاد می‌شود بند ۳ از ماده ۱۷۹ قانون آیین‌نامه مجلس شورای اسلامی اصلاح شود تا مجلس شورای اسلامی در مورد تصمیماتش در باب نفایس ملی اختیار عمل بیشتری داشته باشد. بند اصلاح شده به این شرح می‌باشد: انتقال بناها، اموال دولتی و نفایس ملی (بر مبنای گزارش کارشناسی کمیته نفایس ملی و صرفاً در مورد نفایس ملی غیرمنحصربه‌فرد) انجام می‌شود.

از آن جهت که بخش مهمی از نفایس ملی در اختیار غیردولت است و در مورد آن هیچ قانون و مقرراتی طرح نشده است، پیشنهاد می‌شود تا با شکل‌گیری صندوقی حمایتی با عنوان «صندوق انتقال حق توسعه میراث فرهنگی» و شمول اصل ۸۳ قانون اساسی به این اموال، امکان ثبت و حمایت از آنها فراهم شود.

همچنین کمیته‌ای فرادستگاهی با عنوان کمیته نفایس ملی لازم به تشکیل است که با عضویت وزارتخانه‌های ذی‌ربط، سازمان‌های مرتبط و خبرگان و نظارت مجلس شورای اسلامی فعالیت نماید. اعضای حقیقی خبره نبایستی فعالیتی مرتبط با ساخت‌وساز یا خرید و فروش صنایع فرهنگی داشته باشند، تا تضاد منافع در تصمیم‌گیری‌ها و نظرات آنها رخ ندهد. این کمیته به‌عنوان مرجع اصلی تصمیم‌گیرنده در مورد تشخیص نفایس ملی مشغول به کار می‌شود و مجلس شورای اسلامی مرجع تصمیم‌گیرنده در مورد واگذاری این نفایس می‌باشد.

### فهرست منابع

- استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۴). *مبانی پژوهش کیفی؛ فنون و زمینه تولید نظریه زمینه‌ای*. تهران: نشر نی.
- حراملی، محمدحسن (بی‌تا). *وسائل الشیعه*. بی‌جا: بی‌نا.
- حمزه‌ای، عقیل و حسنی باقری، مهدی (۱۳۹۵). *بررسی قوانین مربوط به حفظ میراث فرهنگی کشور ایران با توجه به میراث جهانی*. *همایش ملی جایگاه داورى در حل اختلافات*. شوشتر: پایگاه اطلاع‌رسانی سیوبلیکا.
- حیدری، فروغ و جلالی، محمد (۱۴۰۰). *حفاظت از میراث فرهنگی غیرمنقول از منظر اصول و نهادهای مؤثر؛ مطالعه تطبیقی حقوق ایران و انگلیس*. *پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، (۷)، ۱۶۳-۲۲۶.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۹۲). *روش تحقیق‌گراند تئوری در مدیریت*. تهران: انتشارات فوژان.



دبیری، فرهاد؛ لقایی، حسنعلی و شیرازیان، شیرین (۱۳۹۳). بررسی کنوانسیون حمایت از میراث طبیعی و فرهنگی (۱۹۷۲) و انتخاب چند نمونه از آثار طبیعی ملی ایران و تطبیق با معیارهای کنوانسیون مذکور جهت ثبت در فهرست میراث جهانی. علوم و تکنولوژی محیط زیست، (۱۶)، ۳۴-۵۶.

زرندیان، ندا (۱۴۰۱). ارزیابی قوانین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در حوزه‌های میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.

زنده‌گل، رضا (۱۳۹۷). مجموعه قوانین و مقررات میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری. تهران: چتر دانش.

شفیعا، سعید و طلایی شکری، شهاب (تدوین) (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی جایگاه دیوان عدالت اداری در خروج آثار تاریخی و فرهنگی از فهرست آثار ملی ثبت شده. تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس.

شورای نگهبان (۱۳۹۷). سلسله جلسات بازخوانی مشروح مذاکرات مجلس؛ بررسی نهایی قانون اساسی سال ۱۳۵۸. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.

عباسی، بیژن (۱۳۹۹). حقوق و تکالیف مالکان خصوصی آثار ثبت شده در فهرست آثار ملی. فصلنامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، (۴)، ۱۱-۳۸.

فتحی، محمد و دیگران (۱۳۹۷). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.

کرمی، حامد و خیرخواه، سمیه (۱۳۹۹). مفهوم‌شناسی و تاریخچه آثار ملی در حقوق ایران. پژوهش‌های حقوقی میان‌رشته‌ای، (۳)، ۱-۱۵.

مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴). صورت جلسه مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.

مجلسی، سیدمحمدباقر (بی تا). بحارالانوار. بی جا: بی نا.

منصوری، سید امیر و شفیع، سعید (۱۳۹۸). آشنایی با منظر (گردشگری منظر). تهران: مهکامه.

مهراندیش، محمدرضا (۱۳۸۷). مفاهیم و ارزش‌های جهانی میراث فرهنگی ایران. فصلنامه پیام باستان‌شناس، (۹)، ۳۵-۴۴.







## References

- Abbasi, b. (2019). Rights and duties of private owners of works registered in the list of national works. *New Administrative Law Research Quarterly*, (4), 11-38.
- Dabiri, Farhad, Laqaee, Hassan Ali & Shirazian, Shirin (2013). Examining the Convention for the Protection of Natural and Cultural Heritage (1972) and selecting some examples of Iran's national natural monuments and adapting them to the criteria of the mentioned Convention to be registered in the World Heritage List. *Environmental Science and Technology*, (16), 34-56.
- Fathi, M. & Kohi Esfahani, K. (2017). The Constitution of the Islamic Republic of Iran along with the explanatory comments of the Guardian Council. Tehran: Guardian Council Research Institute.
- Guardian Council (2017). A series of detailed review sessions of the parliament's deliberations: Final Review of the Constitution of 1358. Tehran: Guardian Council Research Institute.
- Hamzai, A. & Hosni Bagheri, M. (2015). Examining the laws related to preserving the cultural heritage of Iran according to the world heritage. National conference on the role of arbitration in dispute resolution (12-24). Shushtar: Civilica information base.
- Heydari, F.; Jalali, M. & Black, J. (2020). Protection of immovable cultural heritage from the perspective of effective principles and institutions: A comparative study of Iranian and English law. *New researches of administrative law*, number seven, 163-226.
- Kerami, H. & Khairkhan, S. (2019). Conceptology and history of national works in Iranian law. *Interdisciplinary legal research*, number three, 1-15.
- Khaki, G. (2012). Ground theory research method in management. Tehran: Fuian Publications.
- Majlis, M. P. (2020). Pathology of the position of the Court of Administrative Justice in removing historical and cultural monuments from the list of registered national monuments. Tehran: Majlis Research Center.
- Mansouri & Shafia (2018). Getting to know Manzar (landscape tourism). Tehran: Mahkame.
- Mehrandish, M. R. (2007). Concepts and global values of Iran's cultural heritage. *The Quarterly Journal of Archeologist's Message*, (9), 35-44.
- Parliament (2014). Minutes of the deliberations of the Parliament of the final review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Council.
- Strauss, A. & Corbin, J. (2014). Basics of qualitative research; Techniques and field of production of grounded theory. Tehran.
- Zarandian, N. (2021). Evaluation of economic, social and cultural development program rules in the fields of cultural heritage, tourism and handicrafts. Tehran: Mailis Research Center.
- Zinde Gol, R. (2017). The set of rules and regulations of cultural heritage, handicrafts and tourism. Tehran: Chater Danesh.

